

# دانشنامه اقتصاد شهر

هدف این بخش تهیه و تدوین مجموعه واژگان تشریحی مرتبط با حوزه کلان اقتصاد شهر به زبان فارسی است. برای این منظور تلاش خواهد شد برای هر شماره از فصلنامه ۳-۴ واژه تخصصی معرفی شده و تعریفی به صورت تشریحی از آن ارائه شود؛ البته متکی بر منابعی که واژه از آن اقتباس شده است. برای فراهم آوردن این بخش، از واژگان تخصصی رشته‌هایی مانند اقتصاد و اقتصاد شهری، مالیه شهری و برنامه‌ریزی و مدیریت شهری و مانند آن استفاده خواهد شد. دانشگاهیان، مدیران امور شهری، کارشناسان و حرفه‌مندان مرتبط با اقتصاد و مالیه شهری می‌توانند از جمله مخاطبان اصلی دانشنامه اقتصاد شهر باشند. این بخش با این هدف به جستارگشایی می‌پردازد که بتواند در پیشبرد دانش مرتبط به ویژه در بدنه‌ی کارشناسی امور اقتصاد و مالیه‌ی شهری مفید واقع گردد؛ البته این هدف از راه فراهم کردن عرصه‌ای برای بحث‌های علمی از این نوع برای بدنه‌ی علمی و دانشگاهی ممکن خواهد شد. در حال حاضر کمبود عمده‌ای در واژگان تخصصی و تشریحی مرتبط با این حوزه به زبان فارسی وجود دارد. از این رو، امید است این بخش بتواند به تدریج برای رفع آن گام‌های مفیدی بردارد. هم‌چنین با تداوم این بخش از فصلنامه و با گذر سالیانی چند بتوان مجموعه واژگان تشریحی منتشر شده در این بخش را در مجلدی ویژه قابل استفاده همگان قرار داد. با وجود مشکلاتی که اغلب در دسترسی به منابع اصیل رشته‌های تخصصی وجود دارد، چندین دایرالمعارف برجسته در این زمینه فراهم گشته است که می‌توان از آن برای انتخاب چند واژه در هر شماره از فصلنامه، با توجه به موضوع ویژه‌ی آن از آن استفاده کرد. از میان این منابع می‌توان به آثار زیر اشاره کرد:

- Bevir, Mark, (2007), *Encyclopedia of Governance*, Sage Publications, Inc.
- Bishop, Matthew, (2004), *Essential Economics*, The Economics.
- Caves, W.Roger, (2005), *Encyclopedia of the City*, Rutledge.
- Darity, Jr. A. William, (2008), *International Encyclopedia of the Social Sciences*, 2nd edition, Macmillan Reference, USA, the Gale Group.
- Gerald, R. Pitzl, (2004), *Encyclopedia of Human Geography*, Greenwood Publishing.
- Gottdiener. M and Leslie. B, (2005), *Key Concepts in Urban Studies*, Sage Publication.
- Henderson, R. David, (2003), *The Concise Encyclopedia of Economics*, Liberty Fund, Inc.
- Lee, Cheng-Few and Lee, C.Alice, (2006), *Encyclopedia of Finance*, Springer Publication
- Mc Auliffe, Robert, (1999), *The Blackwell Encyclopedic Dictionary of Managerial Economics*, Blackwell Publishing Ltd.
- O'Hara, A. Phillip, (1999), *Encyclopedia of Political Economy*, Routledge.
- Shumsky, L. Neil, (1998), *Encyclopedia of Urban America :The Cities and Suburbs*, Abc-Clio Inc.
- Warf, Barney, (2006), *Encyclopedia of Human Geography*, Sage publications, Inc.

## • بحران مالی<sup>۱</sup>

دهه‌های تراکم‌زدایی جمعیت (در نواحی کلانشهری) و انحطاط اقتصادی در آمریکا، ضعف شدید پایه‌ی منابع اقتصادی شهرها را به دنبال داشته است. بسیاری از شهرها، درآمد مازاد کافی برای تأمین خدمات پایه‌ی شهری را ندارند و مدتی نظام اداری شهرها برای جبران کسری بودجه به حکومت‌های فدرال و ایالتی وابسته شدند. زمانی که چنین شکافی در کسری بودجه وسعت یافت، حکومت‌های شهرداری در شرایطی قرار گرفتند که از آن با عنوان «بحران مالی» یاد می‌شود. کاهش یافتن قدرت مالی شهرداری‌های محلی بریتانیا، که از سوی حکومت‌های مرکزی صورت می‌گرفت، و خصوصی‌سازی و واگذاری قراردادی خدمات شهری به تأمین‌کنندگان خصوصی از پیامدهای همان تراژدی محسوب می‌شود. سیستم‌های نامتمرکزتر مانند آلمان و فرانسه نیز از رابطه‌ی مرکز-پیرامون، که در شرایط فشار بودجه بر آن کشورها نیز مستولی بود، ایمن نبوده‌اند.

بحران مالی دولت بر شهرهای مرکزی و هم‌چنین بر تمام سطوح حکومت‌ها تأثیرگذار بوده است. در سطح فدرال حکومت ملی بدون پاسخگویی به سطح بالاتر، می‌تواند به اندازه‌ی بدهی دلخواه خود، اوراق قرضه منتشر کند. اما شهرها و حومه‌ها توان انجام چنین کاری را ندارند. حکومت‌های محلی در بریتانیا تا اوایل دهه‌ی ۱۹۸۰ توان انتشار اوراق قرضه را با نظارت حکومت مرکزی داشتند و حکومت‌های محلی در آلمان نیز هنوز می‌توانند با نظارت و محدودیت حاکم از سوی حکومت مرکزی و نیز محدودیت‌های کسری بودجه که به کشورهای عضو جامعه اروپا اعمال می‌شود، اوراق قرضه منتشر کنند. زمانی که قلمروهای محلی از بحران مالی رنج می‌برند دیگر سطوح حکومت نیز درگیر می‌شوند.

شهرها نیز می‌توانند مانند شرکت‌های شهرداری ورشکست شوند. در دهه‌ی ۱۹۷۰، تعدادی از شهرهای آمریکا دچار بحران مالی شدید و از میان آنها کلیولند در سال ۱۹۷۸ ورشکسته شد. این رخداد در دهه‌ی ۱۸۰۰ شایع شده بود، یعنی زمانی که اقتصاد آمریکا به بحران‌های دوره‌ای ناشی از رکود اقتصادی دچار بود. از دید رسمی، حکومت‌های محلی در بریتانیا امکان ورشکستگی ندارند، زیرا اگر بودجه‌ای تنظیم کنند که از دید حکومت مرکزی قابل پذیرش نبوده و با کسری بودجه همراه باشد، شورای برگزیده‌ی آنها در صورت پافشاری از قدرت برکنار می‌شوند. در سال‌های اخیر حکومت کارگری جدید منشور «محلی‌گرایی نوین» را عنوان کرد. این منشور سیاستی تکنوکراتیک بود که به واسطه‌ی آن در صورت همپوشانی عملکرد حکومت‌های محلی با «بهترین ارزش‌ها» (بر اساس اصول برنامه‌ی کمیسیون ممیزی، ممیزان ملی حکومت‌های محلی) جایزه‌ای به آنها داده می‌شد تا بتوانند بخشی از منابع سرمایه‌ای مورد نیاز خود را از فروش

دارایی‌های عمومی محلی به دست آورند. وضع مالیات بر کسب و کار محلی از سوی حکومت مرکزی کنترل می‌شود؛ به جز شهر لندن که ثروتمندترین بارو یا بخش در جهان محسوب می‌شود. برخلاف آنچه در سیستم‌های حکومتی فدرال (برای نمونه در آمریکا و یا آلمان) وجود دارد، اثرات بحران مالی دولت‌ها در دیگر نواحی اروپا از طریق عوامل دولت مرکزی تعدیل می‌گردد. با وجود این، اثرات آن بر ساکنان محلی شدت کمی ندارد؛ حتی زمانی که از حالت ورشکستگی فاصله گرفته می‌شود، همانند آنچه در مورد بحران شهر نیویورک در سال ۱۹۷۶ روی داد. تهدید کسری بودجه‌ی شدید به این معناست که شهرداری‌ها باید کاهش قابل ملاحظه‌ای در کمیت و کیفیت ارائه‌ی خدمات انجام دهند. چنین تدابیری به طور مستقیم بر کیفیت زندگی محلی تأثیر می‌گذارد. برای نمونه، آتش‌نشانی‌ها در شهر نیویورک، طی سال‌های ۱۹۷۰ تعطیل، معلمان اخراج و جمع‌آوری زباله‌ها مختل شده و بسیاری از فعالیت‌های مدنی نیز معلق شدند.

در ایالات متحده، اقتصاد از سوی مؤسسات خصوصی کنترل می‌شود اما کیفیت زندگی اجتماع محلی بستگی شدیدی به حکومت‌های محلی دارد. سطح مالیات نسبت به دیگر کشورهای صنعتی پایین است. با وجود اعمال حداقل نظارت بر سودآوری کسب و کار، شهرها و حومه‌ها اغلب به چنین مکانیزم‌های درآمدزایی، مانند مالیات بر املاک و مالیات بر فروش وابسته هستند. بیشترین اثر منفی، کاهش سطح درآمد نیازمندان شهری خواهد بود. در گذر دوره‌های انحطاط اقتصادی، تولید درآمد به شدت از شرایط تأثیر می‌پذیرد. با وجود این، به نظر می‌رسد مردم در این کشورها شرایط کنونی را بر افزایش مالیات‌ها ترجیح می‌دهند. برای دهه‌های پی‌درپی، حکومت‌های محلی برای تأمین هزینه‌های خود به برنامه‌های کمک فدرال و ایالتی وابسته بوده‌اند؛ اما در دهه‌ی ۱۹۷۰ با پایان یافتن کمک از طریق این برنامه‌ها از سوی حکومت ملی، بحران مالی شدید و بسیار خطرناکی رخ داد.

عامل مهمی که مدیریت بحران را پیچیده‌تر می‌سازد، وجود و ظهور منافع گوناگون و متفاوتی است که در طول دوره‌ی بحران و تجدید ساختار حکومت رخ می‌نماید. اتحادیه‌های کارگری شهری و حومه‌ای که نماینده‌ی کارگران شهرها و شهرک‌ها هستند، بر ضد روند تعدیل نیروی کار در مؤسسات اقتصادی، که برای برخورد با رکود اقتصادی ضروری است، یکپارچه می‌شوند. در کلیولند با وجود مخالفت شدید کارگری، اتحادیه‌های شهری در نهایت مجبور به پذیرش اخراج‌های دسته‌جمعی کارگران و کاهش دستمزدها شدند. مراجع محلی برگزیده در چنین شرایطی وضعیت بسیار سختی پیدا می‌کنند. اگر حکومت مرکزی در چنین شرایطی به شهرها کمک کند، که اغلب نیز چنین است، هیچ نشانه‌ای وجود ندارد تا مشخص شود شهرها تا پایان یافتن بحران به چه میزان کمک مالی نیاز خواهند داشت. در این زمان، حکومت ایالتی از مراجع مربوط به آن می‌خواهد تا تعادلی میان درآمدها و میزان هزینه‌های شهرداری ایجاد کنند. هیئت‌های کنترلی ایالتی که در زمان بحران‌های مالی فعال می‌شوند هرگز محبوب ساکنان شهرها نبوده‌اند؛ هم‌چنین این نوع هیئت‌های کنترلی بیرونی (غیر محلی) نزد مراجع محلی نیز محبوبیتی ندارند،

زیرا مراجع محلی آنها را نشانه‌ای از شکست سیاسی خود می‌پندارند.

گروه دیگر سودبر، بخش خصوصی است که در زمان بحران‌های مالی فعال می‌شود. زمانی که سطح خدمات عمومی کاهش یافته و به پیرو آن سطح کیفیت زندگی شهری پایین می‌آید، شرکت‌هایی که می‌توانند به مکان‌های سالم‌تر و با کیفیت بالا نقل مکان کرده شهر را ترک می‌کنند؛ برای نمونه شهر نیویورک در طول دهه‌ی ۱۹۷۰ تعداد زیادی از شاخه‌های شرکت‌های بزرگ خود را از دست داد؛ هم‌چنین بسیاری از حرفه‌مندان آموزش دیده نیز شهر را ترک کردند. برخلاف این روند، بانک‌ها و مؤسسات مالی اغلب در شهر باقی ماندند. این اتفاق به این دلیل رخ می‌دهد که بانک‌ها به شدت در حوزه‌ی املاک درون شهری درگیر بوده و سودبر اصلی در برنامه‌های جدید تأمین مالی شهرداری محسوب می‌شوند و اغلب به دلیل شرایط بحران از نرخ سود بالاتری نسبت به حالت متعارف برخوردار می‌شوند. بانک‌ها در طول بحران مالی عملکرد خوبی دارند، زیرا بیشتر شهرداری‌ها ترجیح می‌دهند تا کسری بودجه خود را با نرخ سود بالاتری تأمین کنند تا اینکه خود را ورشکسته ببینند.

وقوع بحران‌های مالی، نشانه‌ی انحطاط عمومی اقتصاد شهری است. این الگو از دهه‌ی ۱۹۵۰ به عنوان پیامد تراکم‌زدایی کلانشهری و حرکت مردم و صنایع به نواحی حومه‌ای و کمربند آفتاب وجود داشته است. از آنجا که این نواحی به نوبه‌ی خود رشد سریع‌تری داشته‌اند، بحران مالی شدیدتری نیز تجربه کرده و نتوانستند منابع مالی کافی را برای تأمین زیرساخت‌ها و خدمات عمومی فراهم سازند. این گذار جمعیتی انبوه در دهه‌ی ۱۹۵۰ آغاز شد و ۲۰ سال نیز به طول انجامید و به وسیله‌ی برنامه‌های فدرال و ایالتی حمایت شد. اما در دهه‌ی ۱۹۷۰، ناتوانی شهرها و حومه‌ها در ارائه‌ی خدمات و تأمین کیفیت زندگی مطلوب آمریکایی‌ها روشن شد. بعد از دهه‌ی ۱۹۷۰، کمبود منابع و کاهش درآمد به روند غالب تبدیل گردید و مردم مجبور شدند تا در اجتماعات محلی زندگی کنند این در حالی بود که کیفیت زندگی در آنها پیوسته کاهش می‌یافت؛ اگرچه اجتماعات محلی ثروتمندتر همیشه به واسطه‌ی داشته‌هایشان از چنین شرایطی در امان بودند. تا زمانی که یک سامانه‌ی اقتصادی وجود دارد که در آن کنترل سرمایه و درآمدهای مالیاتی با محدودیت همراه است، تمام مکان‌های واقع در مناطق کلانشهری در شبح دام بحران مالی به سر خواهند برد. بنابراین بحران‌های مالی حتی در سده‌ی بیست و یکم نیز تهدیدی برای کیفیت زندگی شهری به شمار می‌روند.

اگرچه در اروپا شرایط بسیار پیچیده‌تر است، اما با وجود این، رابطه‌ی میان رشد حومه‌ها و درآمد مالیاتی نواحی شهری در طول دهه‌ی ۱۹۵۰ تا ۱۹۷۰ مسائل شهری همانندی را در زمینه‌ی کیفیت زندگی شهری به دنبال داشت. شگفت این‌که در آغاز سده‌ی ۲۱ باروهای حومه‌ی لندن با تمرکز یافتن متولدین دوران شکوفایی اقتصادی و حرفه‌مندان جوان در نواحی درون شهری و حرکت خانواده‌های طبقه‌ی متوسط به نوار بیرونی نواحی روستایی در حال تجربه‌ی انحطاط تازه‌ای هستند. دلیل این گذار جمعیتی هزینه‌ی بالای ترابری از مکان‌های بیرونی به شهر مرکزی

لندن و برعکس است، شرایطی که در شهرهای آمریکا به دلیل یارانه‌ی بالایی که به ساخت و ساز بزرگراهی و ترابری خصوصی تخصیص یافته بود در گذشته دیده نمی‌شود.

مأخذ: Gottdiener.M and Leslie. B, (2005), *Key Concepts in Urban Studies*, Sage Publication

ترجمه: ایرج اسدی

## • تجمع<sup>۲</sup>

مردم و فعالیت‌های گوناگون، همواره به تمرکز و تراکم در یک مکان خاص گرایش دارند تا از این راه به منافع دوسویه‌ی برآمده از تسهیم [هزینه‌های] خدمات و تسهیلات دست یابند. «تجمع» مفهومی است که برای مکان‌گزینی متمرکز فعالیت‌ها و تمرکز کسب و کار و صنایع کارگاهی استفاده می‌شود. خوشه‌ای شدن مردم و فعالیت‌ها در این شکل افزایش فرصت‌ها را، برای تسهیم در تسهیلات و خدمات و انتقال آسان کالاها، قطعات و اجزای تولیدی در فرایند ساخت، اطلاعات با ارزش و مهم دوسویه و تأمین نیروی کار، به دنبال دارد.

برتری تجمع برای فعالیت‌های تولید کارگاهی، به ویژه در حوزه‌ی هزینه‌های ترابری، بسیار مهم است. صنعتی که برای تداوم فرایند ساخت، نیازمند تأمین قطعات و اجزای تولیدی است، تلاش خواهد کرد تا هزینه‌های ترابری را با بیشترین توان کاهش دهد. بنابراین، مکان‌گزینی تأمین‌کنندگان قطعات در هم‌جواری شرکت‌های تولیدی اصلی مزیت اقتصادی خواهد داشت. اهمیت مکان‌گزینی فعالیت‌های صنعتی، با هدف به حداقل رساندن هزینه‌های ترابری، موضوعی است که در اوایل سده‌ی بیستم از سوی آلفرد وبر اقتصاددان، واضع تئوری حداقل هزینه وبر<sup>۲</sup>، به شدت حمایت شد.

کارخانجات اتومبیل‌سازی ایالات متحده آمریکا، یکی از بهترین نمونه‌های تجمع در یک صنعت واحد، به شمار می‌روند. دیترویت و میشیگان، جایگاه برجسته‌ی خود را در تولید اتومبیل، درگذر سده‌ی بیستم، حفظ کرده‌اند. سازندگان اصلی (فورد، کرایسلر و جنرال موتورز) و دیگر کارخانجات مرتبط در این ناحیه کلانشهری به شکل یک خوشه متشکل شدند. افزون بر این،

هزاران تأمین‌کننده‌ی قطعات مونتاژ اتومبیل، برای تضمین کارآمدترین و کم هزینه‌ترین شکل انتقال این قطعات به کارخانجات مونتاژ، در دیترویت و یا نزدیکی آن جای گرفتند. در سال‌های اخیر، میزان تمرکز که در طول سال‌های اوج و شکوفایی تولید اتومبیل در دیترویت وجود داشت، کاهش یافته است. با وجود این، ناحیه‌ی کلانشهری دیترویت هنوز مهمترین مرکز صنایع و کارخانجات تولید اتومبیل ایالات متحده به شمار می‌رود. از نمونه‌ی دیگر تجمع در صنایع تولیدی، می‌توان از تمرکز مؤسسات و شرکت‌های تولید جنگ‌افزار در اسن<sup>۴</sup> آلمان نام برد.

شرکت‌ها و مؤسسات خرده‌فروش نیز به تجمع در مکان‌هایی خاص گرایش دارند، زیرا در این شرایط، با استقرار فروشگاه‌های همانند و رقیب در یک فاصله پیاده‌روی و در هم‌جواری هم، امکان سنجش محصولات و قیمت‌ها برای مشتریان فراهم می‌شود. در این گونه نگرش، مراکز خرید مدرن با تعداد بالای فروشندگان و نیز عرضه‌کنندگان اغذیه همه در زیر یک سقف، نمونه‌ای از تجمع بالا به شمار می‌آیند.

مکان مجموعه دفاتر و ادارات در نواحی کلانشهری، نمونه‌ی دیگری از تجمع به شمار می‌آید. این واقعیت همچنان پا برجاست که بخش عمده‌ای از انواع کسب و کار هنوز به شکل چهره به چهره صورت می‌گیرد. آسمان خراش‌های بلند که در مرکز هر کلانشهر بزرگی وجود دارد، نمونه‌ی روشن شناخت مزیت تمرکز کارکنان اداری و دفتری در نزدیک‌ترین هم‌جواری ممکن به یکدیگر است.

صنایع بسیار پیشرفته که با سرعت بسیار بالایی در پایان سده‌ی بیستم شکل گرفتند، از همان آغاز، تجمع پیدا کردند. دره سیلیکون<sup>۵</sup> در سن‌خوزه‌ی آمریکا و ایالت کالیفرنیا، خیابان ۱۲۸ کمربندی بوستون، مثلث پژوهش در رالی و دارام کالیفرنیا<sup>۶</sup> شمالی تنها بخش اندکی از خوشه‌های صنایع بسیار پیشرفته‌ی ایالات متحده هستند. از دلایل عمده‌ی مکان‌گزینی متمرکز در این دسته از صنایع می‌توان نزدیکی و هم‌جواری با مراکز تحقیقات دانشگاهی عمده و در دسترس بودن نیروی کار ماهر و آموزش دیده را نام برد.

تمرکز یافتن و متراکم شدن فعالیت‌های صنعتی و تولیدی، بروز نابرابری‌هایی فضایی را در مقیاس منطقه‌ای و جهانی به دنبال دارد. فعالیت‌های بیان شده با حجم تولید بالا، که با عنوان قطب‌های رشد نیز خوانده می‌شوند، مراکز انباشت ثروت بیکران بوده و موجب افزایش محرومیت‌های اقتصادی در نواحی پیرامونی می‌گردند.

مأخذ: Gerald, R. Pitzl, (2004), *Encyclopedia of Human Geography*, Greenwood Publishing

ترجمه: ایرج اسدی

## • صرفه‌های مقیاس<sup>۷</sup>

صرفه‌های مقیاس به بیان دلایل اساسی رشد بی‌وقفه‌ی شهرها و تمرکز مردم و فعالیت‌های اقتصادی در داخل آنها می‌پردازد. صرفه‌ها هنگامی وجود دارند که هزینه‌های متوسط با افزایش تولید، کاهش می‌یابند. صرفه‌های مقیاس در صحنه‌ی شهرها در مقیاس داخلی، بنگاه‌ها یا صنایع و هم چنین در مقیاس خارجی، شهرها و کلانشهرها وجود دارند. صرفه‌های مقیاس داخلی با صرفه‌جویی در هزینه‌های بنگاه‌ها یا صنعت ارتباط می‌یابند که ناشی از افزایش تولید در یک مکان تولیدی واحد است. هنگامی که در یک بنگاه فرایند تولید بهبود می‌یابد و کاهش هزینه و افزایش سطح تولید را به دنبال دارد، صرفه‌های مقیاس ناشی از کوشش بنگاه به دست می‌آید. این صرفه‌های داخلی اثراتی بر محل استقرار بنگاه در داخل شهر می‌گذارند. بنگاهی که صرفه‌ی مقیاس داخلی قابل ملاحظه‌ای را تجربه می‌کند، تولید خود را در چند مکان محدود گزینشی متمرکز می‌سازد. وجود چند تولیدکننده‌ی بزرگ به نوبه‌ی خود جذب تمرکز فعالیت‌های مرتبط در نزدیکی محل استقرار آنها را به همراه دارد. یک منبع دیگر صرفه‌های مقیاس داخلی در شهرها، عرضه‌ی تولید کالاهای عمومی محلی است. در شهرها ساختمان‌های اداری، بناهای یادبود و زیرساخت‌های شهری ایجاد می‌شود؛ که سرمایه‌گذاری‌های بزرگ انتقال و تقسیم نشدنی در داخل شهر می‌باشند و مزایای شهری را آفریده و به صورت مجموعه‌هایی عمل می‌کنند که بر گرد آنها دیگر فعالیت‌های مربوط به شکل خوشه‌ای ایجاد می‌شوند.

صرفه‌های مقیاس خارجی به آن گروه از مزایای تولید اشاره دارد که از برهم‌کنش میان بنگاه‌ها و صنایع با پیوندهای مکانی ناشی می‌شود. آنها از هم‌جواری فضایی به دست آمده و صرفه‌های مقیاس تجمع نیز خوانده می‌شوند. اغلب دو زیرمجموعه از صرفه‌های تجمع از یکدیگر متمایز می‌شوند: صرفه‌های مکان‌گزینی<sup>۸</sup> و صرفه‌های شهرنشینی<sup>۹</sup>. صرفه‌های مکان‌گزینی هنگامی به وجود می‌آید که بنگاه از هم‌جواری فضایی با بنگاه‌های همانند سود می‌برد. این تراکم بنگاه‌های همانند در شهر امکان استفاده‌ی مشترک از نیروی کار موجود را برای بنگاه‌های نزدیک به هم امکان‌پذیر کرده<sup>۱۰</sup> و مزایایی را برای آنها به خاطر پیوندهای تولیدی، توسعه‌ی نهاده‌های محلی تولید و جریان اطلاعات (میان رقبیان، عرضه‌کنندگان کالا و مشتریان) ایجاد می‌کند. صرفه‌های مکان‌گزینی اغلب توسعه‌ی اقتصادهای تخصصی را تشویق می‌کند. صرفه‌های شهرنشینی، نتیجه‌ی مزایای مکانی استقرار در مناطق بزرگ شهری بی‌توجه به ترکیب هم‌جواری فعالیت‌های اقتصادی است. این صرفه‌ها شامل دسترسی به بازار بزرگ، وجود خدمات تخصصی در شهر و توان نوآوری از راه جریان اطلاعات و دانش می‌باشد که به شکلی تصادفی در مناطق شهری و میان فضاها و با گذر زمان انتشار می‌یابند. این گونه صرفه‌ی مقیاس افزایش تنوع اقتصاد شهر را به همراه خواهد داشت. در مطالعات تجربی اغلب نتیجه‌گیری شده است که صرفه‌های محلی،

### پی‌نوشت‌ها:

- 1- Fiscal Crisis
- 2- Agglomeration
- 3- Weber's Least Cost Theory.
- 4- Essen
- 5- Silicon Valley
- 6- The Research Triangle in Raleigh and Durham, North Carolina
- 7- Economies of Scale
- 8- Localization Economy
- 9- Urbanization Economy
- 10- Labour-Pooling Across Proximate Firms

نیرومندتر از صرفه‌های شهرنشینی هستند. با وجود این، این گونه صرفه‌ها اغلب تنها در بخش فعالیت‌های تولید کارگاهی متمرکز شده‌اند که بازتاب درستی از گستره‌ی فعالیت‌ها در شهرهای مدرن به دست نمی‌دهد. از آن جا که مزایای شهری در حوزه‌هایی مانند تسهیلات شهری، آب و هوا و آموزش کمتر داد و ستد شده، اغلب به فراموشی سپرده می‌شوند. شناسایی صرفه‌های شهری، به دلیل مزایای بهره‌وری ناشی از استقرار در شهرهای بزرگ نبوده بلکه ناشی از صرفه‌جویی در هزینه‌های ترابری بوده است.

مأخذ: Caves, W.Roger, (2005), *Encyclopedia of the City*, Rutledge

ترجمه: دکتر مهدی تقوی

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
رتال جامع علوم انسانی